

فعالیت امن گروهی

کاهش خطر و هزینه بازداشت

بهار ۱۴۰۳

۱	مقدمه
۵	نکات ضروری برای حفظ امنیت در فعالیت گروهی
۶	پیش از بازداشت
۱۵	موارد دیگر
۱۷	پس از بازداشت و پس از آزادی



مقدمه

برای بسیاری از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی، همکاری با دیگران و فعالیت در قالب گروه گریزناپذیر است. بدون شک گونه‌های مختلفی از فعالیت هستند که صرفاً جنبه فردی دارند. برای مثال شرکت در اعتراضات خیابانی یا انواع دیگر تظاهرات، یا نوشتن و اشاعه دیدگاه‌هایتان در فضای عمومی. اگر فعالیت مورد نظر شما چنین فعالیتی است، احتمالاً یادگیری نکات امنیتی در فعالیت گروهی اولویت اولتان نیست. اما اگر فعالیتی که در نظر دارید به شکلی همکاری با دیگران را مطالبه می‌کند، باید آگاه باشید که صرف گروهی بودن فعالیت می‌تواند خطراتی ویژه‌ای برای شما و هم‌گروهی‌هایتان داشته باشد و به همین دلیل باید نکات مختص به این نوع به خصوص فعالیت را با جدیت رعایت کنید.

درک خطرات مضاعف فعالیت گروهی زمانی راحت‌تر می‌شود که عامل اصلی ایجاد کننده تنش بین بازجو و زندانی را با دقت مرور کنیم. مشخص است که هدف بازجو از بازجویی اخذ اطلاعات از فرد بازداشت شده است. اما بازجویان همواره به هر چیزی که از بازداشت شدگان بشنوند با دیدی بدبینانه نگاه می‌کنند. از دیدگاه آن‌ها حتی اگر زندانی در حال اعتراف کردن باشد، همواره بخشی از اطلاعاتی که دارد را بازگو نمی‌کند. این نگاه بدبینانه بخشی از آموزشی است که نیروهای امنیتی دریافت می‌کنند.

بازجویان هیچگاه همه اطلاعات فرد بازداشت شده را در اختیار ندارند و به همین دلیل، پیش فرض همیشگی دستگاه‌های امنیتی این است که فرد بازداشت شده تا سر حد امکان می‌خواهد اطلاعاتی به بازجو ارائه ندهد - چرا که ارائه اطلاعاتی به ضرر او تمام خواهد شد. بنابراین، بازجویان همیشه در جستجوی اطلاعاتی هستند که زندانی به آنان نداده است. در این راستا بازجویان از تلاش برای گرفتن اطلاعاتی که به ظاهر به موضوع بازجویی مربوط نیست اجتناب نمی‌کنند. این اطلاعات می‌توانند، شخصی باشند (مانند روابط شخصی عاطفی فرد). اما بازجو همیشه از داشتن اطلاعات بیشتر استقبال می‌کند. چون هم می‌تواند از آنها برای فشار بیشتر بر فرد بازداشت شده استفاده کند و همچنین تا حد زیادی مطمئن شود که فرد چیزهایی را پنهان نکرده است. حال بیاید ببینیم، در فعالیت گروهی بازجوها چگونه تلاش می‌کنند حداکثر اطلاعات ممکن را از فرد بگیرند.

در نظر داشته باشید که اگر فعالیت‌تان انفرادی باشد، تنها چالش شما در بازجویی فاش نکردن اطلاعات مربوط به فعالیت خودتان است. اما اگر فعالیت‌تان به شکلی ارتباط با افراد دیگر را شامل شود، بازجویان در مورد آنها از شما سوال خواهند کرد. در فعالیت فردی حفظ اطلاعات به کلی در اختیار خود فرد است، در حالیکه در فعالیت گروهی نحوه عملکرد عضو یا اعضای دیگر گروه - چه قبل از بازداشت و چه در روند بازجویی - می‌تواند در فاش شدن اطلاعات فرد، تاثیرگذار باشد. به بیان دیگر، در فعالیت فردی اختیار فاش کردن یا فاش نکردن اطلاعات با خود فرد است. اگر در بازجویی مجبور به اعتراف به چیزی شود، از آنچه افشا شده مطلع است. حال آنکه در فعالیت گروهی، ممکن است اطلاعاتی که مربوط به فرد است توسط دیگر اعضای گروه لو برود و این بدان معنی است، اختیار افشای اطلاعات به صورت کامل در دست فرد نیست. او هم ممکن است نداند دیگران درباره او چه گفته‌اند و هم می‌تواند دیگران را مسئول و یا مقصر افشای اطلاعات بدانند.

هر چه تعداد افرادی که با هم در گروه همکاری می‌کنند بیشتر باشد (گروه بزرگ تر باشد) میزان کنترل فرد بر روند حفظ اطلاعات کمتر می‌شود و حفظ اطلاعات کار دشوارتری می‌شود.

بگذارید برای روشن‌تر شدن مسئله مثالی را بررسی کنیم. فرض کنید دو نفر که با هم در فعالیتی همکاری می‌کنند بازداشت شده‌اند. بازجو اطلاعات زیادی از روابط به این دو فرد و اطلاعاتی که با هم رد و بدل کرده‌اند ندارد، اما می‌داند که آنها در زمانی مشخص در منزل یکی از آنها بوده‌اند. او می‌تواند از فرد اول در مورد آن دیدار سوال کند. این فرد نمی‌خواهد اطلاعات مهمی که بین آنها رد و بدل شده را فاش کند. برای پاسخ دادن به بازجو، فرد جزئیاتی بی‌ربط و بی‌خبر از آن دیدار به بازجو می‌دهد - مثلاً می‌گوید آن شب شام با هم پیتزا خورده‌اند. بازجو به خوبی می‌داند که فرد برای فاش نکردن اطلاعات مهم، چنین جزئیات کم‌اهمیتی را بازگو می‌کند.

اگر فرد تنها شخص مورد بازجویی باشد، تنها راه بازجو برای گرفتن اطلاعات بیشتر فشار آوردن به زندانی است. اما وقتی شخص دومی هم بازداشت شده، بازجو راه دیگر و آسانتری برای گرفتن اطلاعات دارد. او می‌تواند به سراغ فرد دوم برود و به او چنین القا کند که گویی فرد اول همه چیز در مورد دیدار آن شب گفته است.



برای نشان دادن اینکه او همه چیز را می‌داند، اشاره به این می‌کند که می‌داند حتی آن شب پیتزا خورده‌اند. اگر فرد دوم متوجه فریب بازجو نشود، ممکن است به این نتیجه برسد، که هم‌گروهی‌اش همه چیز را گفته و متعاقبا فکر کند سکوت او می‌تواند به ضررش تمام شود.

ورود فرد دوم به این حالت دفاعی و احساس شکست در مخفی نگه داشتن اطلاعات به آمادگی او برای پاسخ دادن به سوالات بازجو به شدت آسیب می‌زند. وی در ادامه برای دفاع از خود کمی اطلاعات بیشتر از دیدار آن شب بازگو می‌کند. فرد دوم لزوماً همه چیز را نمی‌گوید. ممکن است جزئیاتی که او بازگو می‌کند نیز مانند اطلاعات در مورد شام آن شب کم اهمیت باشد. اما بازجو می‌تواند با داشتن آن به سراغ فرد اول برود و او را تحت فشار قرار دهد. فرد اول نیز ممکن است دچار همان فریبی شود که فرد دوم شده بود. بدین شکل بازجو با جابجا کردن اطلاعات کم‌اهمیت بین دو فردی که با هم در ارتباط نیستند می‌تواند راحت‌تر آنها را مجبور به افشای مهم‌تر بکند.

هر چه تعداد اعضای گروه که مورد بازجویی قرار گرفته‌اند بیشتر باشد، اطلاعات گرفتن به صورت زنجیره‌ای آسانتر می‌شود. به تعبیر یکی از فعالینی که تجربه بازداشت داشته: «فعالیت گروهی مانند یک تسبیح است که اگر در یک جا نخ پاره شود ممکن است همه دانه‌های تسبیح تحت تاثیر قرار بگیرند و بیفتند». تجربه فعالان سیاسی و اجتماعی نشان می‌دهد، اگر تعداد افراد بازداشت شده بیشتر از چهار یا پنج نفر باشد، حفظ اطلاعات و روند بازجویی بسیار سخت‌تر می‌شود. یکی از انگیزه‌های بازجویان برای دستگیر کردن چند نفر از اعضای گروه، همین مزیت آسان‌تر بودن بازجویی است. به همین دلیل رعایت نکات امنیتی مرتبط با فعالیت گروهی برای حفظ امنیتی فعالین، اهمیت زیادی دارد.

نکات ضروری برای حفظ امنیت در فعالیت گروهی

- پیش از بازداشت
- پس از بازداشت و پس از آزادی



پیش از بازارداشت

پیش از معرفی روش‌های افزایش امنیت در فعالیت گروهی باید اصل مهمی را معرفی کنیم، که همه راهکارهای دیگری که معرفی خواهند شد، بر آن استوار است.

● در فعالیت گروهی همیشه تلاش کنید، تا حد امکان، اطلاعات غیر ضروری را با هم‌گروهی‌هایتان به اشتراک نگذارید.

در هر فعالیت گروهی، این اصل می‌تواند به شما کمک کند تا فعالیت‌تان را امن‌تر انجام دهید. هنگامی که در مقابل یک هم‌گروهی قرار می‌گیرید که قصد دارد اطلاعاتی به شما بدهد، این سوالات را از خود بپرسید: آیا داشتن این اطلاعات برای من ضروری است؟ آیا نداشتن این اطلاعات به فعالیت من آسیب می‌زند؟ اگر پاسخ به هر یک از این سوالات منفی است، از دوست خود خواهش کنید چیزی در مورد آن نگوید.

انجام این کار ممکن است برایتان آسان نباشد. ما در زندگی روزمره عادت داریم، از یکدیگر درباره جزئیات زندگی همدیگر سوال بپرسیم. خیلی اوقات این عادات را همراه خود وارد فعالیت سیاسی مان می‌کنیم. به خصوص اگر با دیگر اعضای گروه مان روابط دوستانه داشته باشیم. ممکن است به نظرتان برسد، لازمه رعایت کردن این توصیه امنیتی قطع روابط شخصی با کسانی است که با آنها فعالیت سیاسی می‌کنید. این تفسیر نادرست است. آنچه این توصیه از شما می‌خواهد جدا کردن روابط شخصی از روابط سیاسی است. اگر با هم‌گروهی‌تان رابطه دوستانه هم دارید، باید بدانید با دو نفر طرف هستید: کسی که دوست شماست (بیرون حیطه گروه) و کسی که هم‌گروهی‌تان است (در درون گروه).

بیاید یک مثال را بررسی کنیم:

علی و شیرین و آرش سال‌هاست که با هم رابطه دوستی نزدیکی دارند. به غیر از رابطه شخصی، آنها اعتقادات سیاسی مشابهی نیز دارند. علی از مدتی پیش به دعوت شیرین به یک گروه کوچک مطالعاتی پیوسته. علی و شیرین هیچگاه راجع به فعالیت‌هایشان در این گروه به آرش چیزی نگفته‌اند. روزی بعد از جلسه علی و شیرین در حال گپ زدن قبل از جدا شدن از یکدیگرند. علی به شیرین پیشنهاد می‌دهد که او را به منزل برساند. شیرین می‌گوید که خانه نمی‌رود، بلکه به جای دیگری از شهر می‌رود. قرار است آنجا آرش را ببیند. او علی را دعوت نمی‌کند که به آنها ملحق شود و علی نیز بدون گفتن چیزی از او جدا می‌شود.

آیا چیزی در این ماجرای ساده به نظرتان نادرست می‌آید؟

بر اساس اصل ساده‌ای که معرفی کردیم، شیرین اطلاعات غیرضروری به علی داده است. هیچ دلیلی نداشت که او به علی توضیح بدهد بعد از جلسه کجا می‌رود. می‌توانست در پاسخ به او بگوید که مقصدش خانه نیست. لازم نبود به او توضیح دهد، کجای شهر می‌رود و از آن مهم‌تر به هیچ وجه نباید به علی توضیح می‌داد، که با آرش قرار دارد.

با توجه به رابطه دوستی نزدیک این سه نفر، برای علی دانستن اینکه شیرین و آرش قراری دارند، که او به آن دعوت نشده و شیرین اطلاعات دیگری در مورد آن قرار به او نمی‌دهد، این ظن را برای او ایجاد می‌کند که شیرین با آرش نیز فعالیت جداگانه‌ای دارد.

این مثالی از جدا نگه داشتن روابط دوستانه و روابط مربوط به فعالیت سیاسی یا اجتماعی است. از آنجایی که این سه نفر با هم دوست نزدیک‌اند، به محض اینکه شیرین به علی می‌گوید با آرش قراری دارد، علی متوجه می‌شود که این قرار به مسئله‌ای غیر از روابط دوستانه‌شان مربوط می‌شود. برای بسیاری، دانستن همه آنچه در پیرامون‌شان رخ می‌دهد حس خوشایندی نیست. بسیاری از ما وقتی در خانه‌مان نشستیم و صدای ناآشنایی از کوچه یا از راه پله ساختمان‌مان می‌شنویم، دوست داریم بدانیم چه کسی بیرون است. اگر در مهمانی حاضر شویم و دوست‌مان همراه با شخصی غریبه وارد محل مهمانی شود، ممکن است کنجکاو شویم و بخواهیم بدانیم این شخص جدید کیست. این گونه کنجکاو‌ها بسته به شرایط ممکن است رفتارهایی مقبول و یا نکوهیده باشند، اما در فعالیت سیاسی بدون شک رفتارهایی نامطلوب و زیان‌آور هستند.

ممکن است این مسئله به نظرتان کم‌اهمیت به نظر برسد. ممکن است فکر کنید، توصیه به رعایت چنین نکاتی مته به خشخاش گذاشتن است. اما تجربه زندانیان سیاسی چیز دیگری را به ما یاد می‌دهد. تحقیقات ما از کسانی که پیش از این، تجربه بازداشت شدن دارند نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد دادن چنین اطلاعات غیر ضروری، می‌تواند عواقب زیادی داشته باشد. اجازه بدهید به مثال مطرح شده برگردیم تا مسئله را واضح‌تر توضیح دهیم.

پس از گذشت چند ماه از فعالیت‌های گروهی که علی و شیرین در آن فعال بودند، مامورین امنیتی از وجود این گروه خبردار می‌شوند و تعدادی از اعضای آن گروه از جمله علی و شیرین بازداشت می‌شوند. شیرین که همزمان در گروه دیگری با آرش فعالیت می‌کرده امنیت دیجیتال را به خوبی رعایت کرده و می‌داند مامورین امنیتی ردی از فعالیت او ندارند. او انتظار دارد، درباره گروه اول (گروهی که علی در آن عضو است) بازجویی شود، ولی فکر می‌کند مامورین اطلاعی از گروه دیگر ندارند.



در روند بازجویی، بازجویان که از روابط شخصی علی و شیرین مطلع‌اند، کنجکاو می‌شوند بدانند آیا کسان دیگری از دوستان مشترک‌شان فعالیت سیاسی می‌کنند یا خیر. در یک جلسه بازجویی، بازجوی علی درباره جلسه‌ای که در بالا درباره‌اش صحبت کردیم می‌پرسد. علی به او جزئیاتی درباره جلسه می‌دهد. بعد می‌گوید که جلسه تمام شد و او و شیرین از آنجا بیرون رفتند. بازجو او را تحت فشار می‌گذارد و سوالات بیشتری می‌پرسد. علی اشاره می‌کند که آن روز برخلاف همیشه با شیرین با هم به خانه نرفتند. بازجو کنجکاو می‌شود که شیرین کجا رفته و علی در پاسخ به او می‌گوید که شیرین گفته قرار است آرش را در جای دیگری از شهر ببیند و او همراه با شیرین نرفته است.

ممکن است علی تصور کرده باشد این اطلاعات بی ضرر است. همچنین ممکن است علی تحت فشار خواسته باشد، با گفتن اطلاعاتی که کم خطرتر هستند، خودش را از فشار بازجویی رها کند. این نوع واکنش بسیار معمول است و در ادامه به آن بیشتر خواهیم پرداخت. در هر صورت علی به قرار آن شب شیرین و آرش اشاره می کند. بازجویان مشکوک می شوند که گروه دیگری وجود دارد که شیرین به صورت موازی در آن هم عضویت دارد. گروهی که آنها از آن مطلع نیستند. تیم بازجویی شیرین را برای اعتراف کردن و افشای گروه دیگر تحت فشار می گذارد. در حالیکه آرش و اعضای دیگر گروه دوم که همگی به خوبی امنیت دیجیتال را رعایت کرده اند، چندان نگران شناخته شدن نیستند. اگر شیرین تحت فشار اطلاعاتی درباره گروه دیگر بدهد، بسیار محتمل است که بازجویان دست به بازداشت اعضای گروه دوم بزنند.

این ماجرا و مثالی که در ابتدای این دیباچه مطرح شدند واقعی نیستند، ولی بر اساس تجربه واقعی بازداشت فعالین طرح شده است. این تجربیات از سوئی دشواری مقابله با بازجویی در فعالیت گروهی را به ما نشان می دهند و از سوی دیگر و از سوی دیگر شباهت زیاد چالش هایی که بازداشت شدگان با آن روبرو می شوند را عیان می کنند، که نشان می دهد رعایت نکات ایمنی در چنین فعالیتی تا چه میزان می توانند سبب کاهش خطر شوند.

● همه اعضای گروه نباید همه چیز را بدانند. افرادی که کار علنی می‌کنند خطر بازداشت شدن‌شان بیشتر است و باید اطلاعات کمتری داشته باشند. تفکیک کار علنی و کار مخفی در بسیاری از گروه‌ها الزامی است.

یکی دیگر از راه‌های کاهش خطر افشای اطلاعات در فعالیتهای گروهی تقسیم کار در داخل گروه و محدود کردن اطلاعات هر فرد به موارد مربوط به نقشش در گروه است. به یاد داشته باشید که اصل مهم امنیت در فعالیت گروه حداقل کردن انتقال اطلاعات غیر ضروری است. در بسیاری از گروه‌های سیاسی همه اعضای گروه یک کار را انجام نمی‌دهند. در واقع اگر گروه ساختاری کمی پیچیده تر از جمع‌های دوستانه - جایی که افراد نظراتی رد و بدل می‌کنند - داشته باشد، معمولاً تقسیم کار الزامی می‌شود.

فرض کنید یک گروه کوچک قصد دارند تظاهراتی را در خیابان، دانشگاه و یا محل کارشان سازماندهی کنند. برای این کار باید اقدامات متعددی انجام دهند، مثل اطلاع رسانی، تهیه پلاکارد، گرفتن عکس و فیلم و غیره. هم چنین در بسیاری از این موارد یک نفر نقشی علنی تر به عهده می‌گیرد. مثلاً این فرد می‌پذیرد در آن تظاهرات هدایت کننده شعارها و یا سخنران باشد. حتی اگر فعالیت این گروه برگزار می‌شود، این فرد ممکن است کسی باشد که در فضای مجازی درباره عقایدش یا برنامه سیاسی این گروه صحبت کند.

شناسایی چنین فردی برای مأمورین امنیتی آسان تر می‌شود. به همین دلیل احتمال بازداشت شدن او بیشتر از سایرین است و بنابراین برای حفظ امنیت گروه او نباید جزئیات زیادی راجع به فعالیت دیگر اعضای گروه داشته باشد.

به خصوص او نباید در مورد تقسیم کار گروه چیزی بداند. وظیفه تقسیم کار باید با کسی باشد که نه تنها فعالیت علنی نمی‌کند، بلکه مستقیماً درگیر فعالیت‌های دیگری (مثل تهیه پلاکارد و غیره) نیز نمی‌شود. این شخص دوم در موقعیت بسیار حساسی قرار دارد، چرا که بیشتر از دیگران از جزئیات فعالیت گروهی باخبر است. به همین دلیل، باید کمتر از دیگران در دیدرس مامورین امنیتی باشد. نقش فرد اول تبلیغ است و نقش فرد دوم سازماندهی و به همین خاطر فرد اول باید کار علنی بکند و دومی مخفی. بقیه اعضای گروه با توجه به نقش‌هایشان هر کدام جایی بین این دو قطب قرار می‌گیرند.

کسانی که فعالیت‌شان علنی‌تر است، هم بیشتر در معرض خطر بازداشت هستند و هم از همه بیشتر تحت فشار بازجویی قرار می‌گیرند. بنابراین برای حفظ اطلاعات گروه به نحو احسن، لازم است آنها کمترین اطلاعات ممکن را داشته باشند. در مقابل، کسی که سازماندهی می‌کند هویت اکثر اعضای گروه را می‌شناسد و به همین دلیل خطر بازداشت شدن یا شناخته شدن نقشش را به حداقل رساند.

● تلاش کنید تا سر حد امکان پاسخ‌های برای سوالات بازجویان آماده داشته باشید و آن‌ها را با هم گروهی‌هایتان هماهنگ کنید.

نکته امنیتی دیگری که باید در نظر داشته باشید، هماهنگی بین اعضای گروه در پاسخگویی به برخی سوالات کلی است. اگر جلسه‌ای با دیگر اعضای گروه‌تان دارید، بهتر است چند جواب مشخص به سوالاتی که بازجویان ممکن است ازتان بپرسند داشته باشید و مطمئن باشید که هم اعضای گروه یک جواب را می‌دهند. به عنوان مثال، بازجویان قطعاً از شما خواهند پرسید دلیل جمع شدن‌تان چه بود و اگر جوابی که شما می‌دهید با جوابی که دیگران می‌دهند یکی نباشد، بازجو مطمئن خواهد شد که شما در حال مخفی کردن چیز مهمی هستید.

همچنین تلاش کنید تا جایی که می‌توانید به سوالات بازجویان پاسخ‌های کوتاه بدهید. از مثال مطرح شده از ابتدای این دیباچه اگر شخص در پاسخ به بازجو تنها بگوید در منزل دوستش شام می‌خورده احتمال تاثیر گذاری منفی گفته او بر فرد دوم کمتر از حالتی است که فرد با بازجو با جزئیات پاسخ دهد (بگوید در خانه او پیتزا خورده و غیره). تلاش کنید داستان دیگری درباره را از پیش با هم گروهی‌هایتان هماهنگ کنید تا همگی یک داستان را در بازجویی تعریف کنند.

● عضویت یک فرد در چند گروه به صورت موازی تمامی آن گروه‌ها را آسیب‌پذیرتر می‌کند.

در داستان سه دوست که به آن اشاره شد دیدیم، علیرغم اینکه شیرین بسیاری از موارد امنیتی دیگر را رعایت کرده بود، بی‌احتیاطی در یک مورد منجر به این شد که گروهی دیگر از فعالین که از دیدرس مامورین امنیتی دور مانده بودند، در معرض خطر قرار بگیرند. همانطور که توصیف کردیم، عامل اصلی کشف گروه دوم اشتباه شیرین در دادن اطلاعات غیرضروری به علی بود.

اما نباید همه تقصیرها را گردن شیرین (و یا علی) انداخت. باید در نظر داشت که شکل ساختاری فعالیت این دو گروه احتمال چنین خطراتی را افزایش می‌دهد. به بیان دیگر، برای حفظ امنیت در فعالیت‌های گروهی فقط نباید به نقش افراد فکر کرد. ساختار فعالیت و رابطه حلقه‌های مختلف به خودی خود می‌توانند آسیب‌زا باشند. اصولاً عضویت یک فرد در چند گروه مختلف موجب کاهش امنیت گروه‌ها می‌شود. در بسیاری از موارد این پدیده اجتناب‌ناپذیر است. اما باید هم به آن آگاه بود، هم تلاش کرد آن را به حداقل رساند و هم - در مواردی که گریزی از آن نیست - تلاش کرد با رعایت نکات امنیتی امکان بروز خطر را به کمترین حد ممکن رساند.

اگر در دو یا چند گروه به صورت هم‌زمان فعالیت می‌کنید، فارغ از رعایت نکته‌ای که در بخش قبلی توضیح دادیم باید تمامی شواهد و اسناد مربوط به فعالیت‌تان را از هم جدا نگه دارید. اگر فعالیت شما در گروه‌های مختلف در فضای مجازی است و به جای استفاده از هویت حقیقی‌تان از اسم مستعار استفاده می‌کنید، برای هر گروه از اسمی جداگانه استفاده کنید. حتی اگر از اسم خودتان استفاده می‌کنید، حتماً از حساب‌های کاربری مجزا برای رد و بدل ایمیل یا فعالیت در رسانه‌های اجتماعی استفاده کنید. اگر برایتان انجام این کار مقدور است، از سیم کارت‌ها و گوشی‌ها مجزا استفاده کنید.

همانطور که پیشتر گفتیم، هر کسی که انتظار بازداشت شدن را دارد باید از قبل جواب‌هایی برای سوالات قابل انتظار بازجوها داشته باشد، مثل داشتن روایتی غیرواقعی از اینکه چرا در جایی حضور داشته. اگر در چند گروه به صورت هم‌زمان فعالیت می‌کنید، حتماً باید چند روایت جداگانه داشته باشید. این طور فکر کنید که هر بخش از فعالیت‌هایتان ممکن است افشا شود و پاسخ‌هایتان باید به گونه‌ای باشد که بخش دیگر فعالیت‌هایتان را افشا نکند. همچنین باید روایتی که ارائه می‌کنید با روایتی که دیگر اعضای گروه ارائه می‌کنند هم‌خوان باشد. تلاش کنید در جواب به چند سوال کلی با اعضای گروه‌تان جواب‌های از پیش تعیین شده داشته باشید و تلاش کنید جواب‌های متفاوتی برای گروه‌های مختلف داشته باشید.



موارد دیگر

- پیشنهاد می‌شود گروه یا هسته‌ها نهایتاً ۵ نفره باشند، اما بهترین هسته ۳ نفره و ایده‌آل‌ترین آن ۲ نفره است. هرچه تعداد اعضای یک گروه یا هسته بزرگتر باشد، رعایت نکات امنیتی سخت‌تر خواهد بود و احتمال شناسایی و بازداشت اعضای گروه بالا خواهد رفت.
- امن‌تر است اگر با افراد نزدیک و مورد اعتماد که از قبل آنها را می‌شناسید، یک هسته یا گروه تشکیل دهید. دوستان قابل اعتماد و اعضای خانواده یا فامیل گزینه خوبی هستند، البته معیار مهم برای انتخاب هر عضو باید باورمندی به مبارزه و اهداف تشکیل گروه باشد.
- اداره جمعی و اشتراکی گروه برای این نوع هسته‌های کوچک مناسب‌تر است، چرا که تصمیمات جمعی امکان اشتباه را پایین آورده و احساس مسئولیت جمعی را بالا خواهند برد.
- کسانی که سابقه زندان، دستگیری یا احضار داشته‌اند، در بیشتر مواقع و خصوصاً با شروع اعتراضات تحت رصد نیروهای امنیتی قرار می‌گیرند، بدین ترتیب هم احتمال دستگیری پیشگیرانه و هم احتمال انتقال خطر دستگیری به افراد جدیدی که با آنها ارتباط می‌گیرند، افزایش می‌یابد.

- اگر می‌خواهید یکی از این افراد را به گروه اضافه کنید، توصیه می‌شود این اعضا با اولین نشانه‌های اعتراضات، در ابتدا تلفن خود را خاموش نگه دارند و به سرعت جای خود را عوض کنند، چون اگر موبایل آن‌ها روشن بماند، به راحتی امکان شناسایی محل سکونت جدیدشان برای نهادهای امنیتی وجود دارد یا اینکه در رفت‌وآمدهای خود بسیار دقت کرده و وانمود کنند در منزل هستند و همیشه موبایل خود را در منزل جا بگذارند. البته بهترین گزینه برای این افراد داشتن دو گوشی همراه است، یکی برای امور روزانه و دیگری برای فعالیت. (لطفاً به بخش امنیت دیجیتال در جزوه «فعالیت امن» مراجعه کنید)
- همه ارتباطات خود را برای تشکیل گروه و پس از آن با افرادی که سابقه احضار یا دستگیری دارند به یک پیام‌رسان امن (ترجیحاً سیگنال و یا سکرِت چت تلگرام) منتقل کنید و از برقراری مکالمات تلفنی مستقیم (مخابرات یا پیامک) خودداری کنید. (در این رابطه می‌توانید بخش پیام‌رسان امن در جزوه «فعالیت امن» را مطالعه کنید.)
- ممکن است دوستان یا همکارانی با سوابق قبلی بازداشت، بخواهند درگیر فعالیت سازماندهی با شما شوند، پیشنهاد می‌شود در این موارد هرگونه مشارکت و همکاری را منوط به رعایت پیشگیرانه دو بند بالا کنید.
- به دلیل افزایش حساسیت نیروهای امنیتی و تحت نظر گرفتن افراد توسط آن‌ها، بهتر است اعضای گروه در شرایط حساس مانند اعتراضات، ارتباطات و رفت‌وآمدهای معمولی خود را با یکدیگر به حداقل برسانند.
- تجربه سازماندهی و فعالیت ادامه‌دار گروه را قوی خواهد کرد، از همین رو بهتر است گروه یا هسته حتی اگر در یک زمان یا شرایط خاصی مانند اعتراضات تشکیل شود، ساختار خود را حفظ کرده و با تغییر نوع فعالیت به حیات خود ادامه دهد.

پس از بازداشت و پس از آزادی

همیشه باید به خاطر داشته باشید، اعتراف دیگران در مورد شما نمی‌تواند به عنوان مدرک علیه‌تان استفاده شود. آنچه مهم است اعتراف نکردن خود شخص است. بازجویان به شما القا خواهند کرد که اعتراف دیگران علیه شما برای محکوم کردن‌تان در دادگاه کافی است. آنها حتی ممکن است شما را با هم‌گروهی‌هایتان روبرو کنند تا مجبور شوید آنچه هم‌گروهیتان در مورد شما می‌گویند را بپذیرید. باید آگاه باشید که در همه این موارد، بازجویان به دنبال اعتراف شما هستند چرا که اعتراف شما قویترین مدرک علیه شماست. بدون شک اعتراف دیگران در مورد شما مقاومت در بازجویی را برایتان سخت‌تر می‌کند، به خصوص اگر هم‌گروهیتان در جلوی چشمان شما درباره‌تان حرف بزند. اما باید تلاش کنید تا آنجا که ممکن است از پذیرش آنچه هم‌گروهی‌هایتان در مورد شما می‌گویند، اجتناب کنید.

همچنین آگاه باشید که بازجویان به دروغ به شما خواهند گفت که هم‌گروهی‌هایتان علیه شما اعتراف کرده‌اند و یا اعترافات کوچک و کم‌اهمیت آنها را طوری به شما خواهند گفت که به شما القا کنند آنها به همه چیز اعتراف کرده‌اند (نکته ای در بخش پیشین آن را توضیح دادیم). آگاه باشید که همه این گفته‌ها فریب بازجویان است. این بدان معنی نیست که هر چه بازجویان در مورد هم‌گروه‌هایتان بگویند، نادرست است. در نظر داشته باشید در این مورد (مانند بسیاری دیگر از موارد) هر چه بازجویان می‌گویند نادرست است مگر آنکه خلافش ثابت شود.

● وقتی هم گروه‌هیتان بازداشت می‌شود، باید انتظار این را داشته باشید که بخشی از اطلاعات مشترک بین شما افشا شود. اگر اطلاعاتی در بازداشت در مورد کسی بازگو کرده‌اید نیز پس از آزادی با او در میان بگذارید.

در مثال فعالیت گروهی علی، شیرین و آرش دیدیم که آرش پس از بازداشت علی و شیرین هیچ اقدام امنیتی خاصی نکرده بود. او به شیرین اعتماد داشت و می‌دانست که گروهی که عضوش بوده لو نرفته‌است. آنچه او خبر نداشت اشتباهی بود که خود شیرین هم به خاطر نداشت. او نمی‌دانست که لو رفتن گروه او تنها منوط به مقاومت شیرین نبود. علی نیز به صورت غیر مستقیم در این روند دخیل بود. بازداشت شدن شیرین به خودی خود گروهی که آرش در آن عضو است را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد.

به طور کلی، در فعالیت‌های گروهی فرد باید نگاهش را بر اساس اصول امنیتی تنظیم کند. بر اساس این اصول، همیشه باید انتظار داشت که هم‌گروهی زیر فشار بازجویی و شکنجه اعتراف کند و در مورد شما چیزی بگوید. در این مورد سعی کنید همیشه تا حدی بدبین باشید. هر چقدر هم شما به دوستان‌تان اعتماد داشته باشید، باید بدانید که شرایط بازجویی در بسیاری مواقع اختیار را از دست زندانی می‌گیرد. خود را برای پاسخ دادن به سوالات بازجویان درباره آنچه هم گروهی‌هایتان از آن مطلعند آماده کنید.

از طرف دیگر، اگر در زمان بازداشت مجبور شدید چیزی در مورد دیگران بگویید، حتما پس از آزادی به آنها اطلاع دهید. بسیاری افراد برای حفظ وجهه نمی خواهند به کسی اقرار کنند که در بازجویی اطلاعات داده‌اند. این کار ممکن است تا مدتی شما را خوشحال نگه دارد، ولی اگر هم‌گروهی‌تان بازداشت شود و از اینکه بازجویان چیزی در مورد او می‌دانند خبردار نشده باشد، هم به شدت ضربه خواهد دید و هم بی‌شک و به حق پس از آزادی از شما گله‌مند خواهد بود. درحالی‌که اگر به هم‌گروهی‌تان بگویید چه چیزهایی درباره او و فعالیت‌هایتان به بازجویان گفته‌اید، او فرصت کافی خواهد داشت تا خودش را برای پاسخ‌گویی به سوالات آماده کند و یا اسنادی را که در این رابطه وجود دارد، پیش از دستگیری از بین ببرد. این کار را در مورد کسانی که چیزی در مورد فعالیت‌شان در بازجویی نگفته‌اید نیز باید انجام دهید.

در این مورد باید به یک نکته دقت کنید. تجربه بسیاری از بازداشت‌شدگان نشان می‌دهد که پس از آزادی تا مدتی مأمورین مراقب آنها هستند تا روابطشان را دنبال کنند. پس از آزادی احتیاط کنید. نگذارید مسئولین با تعقیب شما به آنچه اعتراف نکرده‌اید دست پیدا کنند.

یکی از شایع‌ترین عواقب بازداشت‌های دسته‌جمعی از بین رفتن اعتماد بین اعضای گروه است. بازجویان به خوبی از این عاقبت آگاهند و از آن برای شکستن هسته‌های فعالیت استفاده می‌کنند. رعایت موارد امنیتی باعث می‌شود نه بی‌دلیل به کسی اعتماد زیادی داشته باشید و نه پس از تجربه بازداشت و بازجویی اعتمادتان به دیگران به کلی سلب شود.

**SAFE
ACTIVISM**



بهار ۱۴۰۳